

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۰ جولای ۲۰۲۲

افغانستان جولانگاه اشغالگران و جنگ طلبان

(بخش چهارم)

با نگاهی به ذخایر جهانی گاز طبیعی، تقریباً ذخایر گاز طبیعی به عنوان مهم‌ترین انرژی پس از نفت مصرف می‌شود. ۹.۴۰ درصد از ذخایر گاز طبیعی جهان در خاورمیانه قرار دارد.

افغانستان هم از لحاظ گاز طبیعی و هم از لحاظ نفت یک کشور ثروت‌مند در منطقه محسوب می‌شود. با این حال، افغانستان سالانه ۲۹۱ میلیون بشکه نفت بیشتر از ایران، روسیه، عربستان سعودی، ازبکستان و ترکمنستان وارد می‌کند. در کنار همه این مسایل، دو ذخیره بزرگ افغانستان مس و آهن نیز هست. معادن مس عینک و حاجی‌گک؛ افغانستان از نظر داشتن معادن مس در جهان پس از کشور «چیلی» در جایگاه دوم قرار دارد. در ولایت لوگر ۲۴۰ میلیون تن معدن مس تخمین زده شده است. مساحت کل این معدن بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع است. طبق محاسبات صنعتی صورت گرفته تاکنون، ارزش اقتصادی این معدن ۱۳ میلیون تن مس است. معدن حاجی‌گک؛ نظر به گزارش‌ها در کشور ۱۱۰ میلیون تن موجودیت ذخایر این معدن تخمین شده است. تنها این دو معدن بزرگ، سالانه می‌تواند به شکل چشمگیر درآمد کشور را افزایش داده و کسر تجارتي را کاهش دهد، از سوی دیگر زمینه هزاران شغل را نیز فراهم کند. متأسفانه بنا بر دلایل و دشواری‌های موجود، تاکنون فعالیت‌های علمی و عملی در این دو معدن صورت نگرفته است.

البته نقش شرکت‌های خصوصی در جنگ داخلی افغانستان و غارت اموال و ثروت‌های این کشور را نیز نباید نادیده گرفت. علاوه بر ارتش‌های رسمی کشورهای عضو ناتو و آمریکا، شرکت‌های خصوصی امنیتی در افغانستان حضور داشتند. یکی از این شرکت‌های امنیتی خصوصی در افغانستان، شرکت امنیتی پیمان‌کار جی‌اس۴ (G4S) بوده است. جی‌اس۴ یکی از بزرگترین شرکت‌های امنیتی پیمان‌کار جهان است که ظاهراً مأموریتش در کابل حفاظت از سفارت بریتانیا و نواحی اطراف آن بوده است. در واقع حمله نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا به افغانستان که در سال ۲۰۰۱ روی داد به بازار شرکت‌های امنیتی خصوصی رونق داد. در دو دهه گذشته، تقاضا برای نیروهای مسلح محافظ سفارت‌خانه‌های خارجی، پایگاه‌های نظامی و سازمان‌های غیردولتی همچنان بالا بوده است.

شرکت‌های آموزش نیروی پولیس افغانستان هم از این قاعده مستثنی نشدند. ضمناً به شرکت‌های خصوصی امنیتی اجازه داده شد تا به‌عنوان مدیریت ریسک به مأموریت خود ادامه دهند. یک شرکت امنیتی خصوصی می‌توانست

مأمورانی را که دولت افغانستان استخدام می‌کرد آموزش دهد و به سابقه آن‌ها رسیدگی کند. به همین دلیل شرکت‌های خصوصی امنیتی در افغانستان فعالیت گسترده‌ای داشتند.

برای نمونه شرکت جی‌اس۴ (G4S) گفته است که دارای ۱۲۰۰ کارکن پیمان‌کار در افغانستان است و از سال ۲۰۰۳ تا کنون در این کشور فعالیت داشته است.

به‌گفته این شرکت، نیمی از کارکنان آن افغان و نیمی دیگر خارجی از جمله بریتانیایی هستند. به‌جز تأمین امنیت سفارت بریتانیا، شرکت جی‌اس۴ (G4S) دارای قرارداد امنیتی با سازمان‌های غیردولتی و مشتریانی از میان شرکت‌های تجاری بوده است.

این شرکت مأموران امنیتی را انتخاب و استخدام می‌کرد و آموزش نیروهای ملی افغانستان را هم بر عهده داشت. آمار دقیقی از شمار این شرکت‌ها در افغانستان وجود ندارد. یک دلیل عدم دسترسی به اطلاعات این است که مشتریان دولتی این شرکت‌ها می‌توانند به دلیل امنیت ملی از دادن هرگونه اطلاعات خودداری کنند. دلیل دیگر ساختار پیچیده این شرکت‌هاست که بعضی شرکت‌های مادر، برخی دیگر شعب آن و یا شرکت‌های مشترک امنیتی هستند.

اریک پرنس، بنیان‌گذار شرکت معروف «بلاک واتر»، یک شرکت خصوصی امنیتی، ادعا داشت که مأموران امنیتی این شرکت‌ها می‌توانند نقش کلیدی در خاتمه دادن به جنگ طولانی در افغانستان باشند. او گفته بود «کسانی که در جنگ افغانستان سابقه‌دار و زبده هستند» را می‌تواند استخدام کند تا در جنگ شرکت کنند.

به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۱۲ بیش از صد هزار مأمور امنیتی مسلح و غیرمسلح در افغانستان فعالیت داشتند که از سوی وزارت دفاع آمریکا استخدام شده بودند اما ۲۰ هزار نفر از آن‌ها برای شرکت‌های خصوصی امنیتی کار می‌کردند.

در پایان سال ۲۰۱۶ شمار کارکنان شرکت‌های خصوصی امنیتی در افغانستان به پائین‌تر از هزار نفر رسید اما در سال بعد افزایش پیدا کرده است. به‌گفته وزارت دفاع آمریکا در اکتوبر سال ۲۰۱۸، قریب به ۲۵۰۰ مأمور شرکت‌های خصوصی در افغانستان حضور داشتند که اکثراً نه از افغانستان یا آمریکا بلکه از کشورهای ثالث بودند.

به‌گفته اولریش پترسون، دانشیار سیاست بین الملل دانشگاه لیورپول، مأموران امنیتی مسلح این شرکت‌ها تنها شمار کوچکی را تشکیل می‌دهند و اکثر این مأموران خدمات لجستیکی و تدارکاتی را به عهده دارند.

شرکت‌های خصوصی همچنین باید تدابیر امنیتی خود را به کار گیرند و همین باعث شده که در دوران حضور نظامی در مجموع شمار این شرکت‌ها افزایش پیدا کند.

از تعداد ۲۵۰۰۰ نیروی امنیتی طرف قرارداد وزارت دفاع آمریکا در افغانستان، ۱۰ هزارتن آمریکایی هستند. به جز مأموریت‌های امنیتی که تنها ۱۶ درصد از نقش این شرکت‌ها را تشکیل می‌دهد، ترجمه، حمایت لجستیکی و پایگاهی، ساخت‌وساز و حمل‌ونقل از جمله وظایفی است که آن‌ها بر عهده دارند.

پس از این جنگ، که بیش از ۲۰ سال در افغانستان در جریان بود، این کشور با بحران‌های اقتصادی و نیروی انسانی روبه‌رو شد. هیچ نوع منابع مالی برای کمک به افغانستان برای بازسازی این وضعیت موجود نبود. پس از ۲۰۰۱، با هدف احیای اقتصاد، بازسازی و گسترش زیرساخت‌ها، افزایش قدرت نظامی، تقویت دموکراسی، تقویت آموزش و پرورش، بهداشت و درمان در افغانستان، روند بازسازی آغاز شد، این روند توسط کمک‌های خارجی به ویژه آمریکا و البته در راستای منافع سرمایه‌داری خودشان، تأمین می‌شد. بدین ترتیب، تولید ناخالص داخلی افغانستان و ارزش افزوده معادن در اقتصاد به‌دلیل درگیری‌های پس از سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. تولید ناخالص داخلی این کشور در سال ۲۰۰۲ حدود پنج میلیارد دالر بود، در حالی که در سال ۲۰۱۸ بیش از ۲۰ میلیارد دالر رسید. در سال ۲۰۱۹ به شمول

درآمد ناشی از تولید تریاک به ۵.۲۰ میلیارد دلار رسیده است و ارزش افزوده معادن در سال ۲۰۰۱ بیش‌تر از یک میلیارد بود و در سال ۲۰۱۸ به بیش‌تر از دو میلیارد دلار رسید.

جدا از هر مسأله‌ای که درباره افغانستان توصیف کردیم تولید مواد مخدر و تولید تریاک و هرویین؛ یکی از معضلات مهم این کشور است.

با وجود این که در بیش از دو دهه گذشته، صدها کارشناس و شرکت‌های چند ملیتی و ده‌ها سرباز خارجی در افغانستان و کمک‌های مالی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و سرمایه‌گذاری‌ها در این کشور و ظاهراً مبارزه با مواد مخدر؛ اما تولید تریاک و هرویین در این کشور رونق گرفته است.

اگرچه در ابتدا دولت کرزی، برای جایگزین کردن کشت خشخاش قول‌های تشویقی به کشاورزان داد و از سوئی روحانیون را برای مبارزه با مواد مخدر به کمک طلبیده بود، اما هیچ‌یک از این وعده‌ها و روش‌ها مؤثر واقع نشدند. گذشته از این، اکنون ۵۲ درصد درآمد ناخالص افغانستان از طریق فروش مواد مخدر به‌دست می‌آید.

دو کشور همسایه افغانستان، یعنی پاکستان و ایران که مسیر سنتی انتقال هرویین به اروپا به شمار می‌روند اما در پی بروز جنگ داخلی در تاجیکستان و کشته‌شدن بیش از ۶۰ هزار نفر و رشد فزاینده فقر، به بازاری برای مصرف هرویین تبدیل شد.

امریکا آخرین بازار هرویین افغانستان است که قاچاقچیان پاکستان، افریقای غربی، آسیای میانه و روسیه از طریق ایر کارگو و اکسپرس پست هرویین را به این کشور انتقال می‌دهند. بازار امریکا نیز همانند اروپا، بستگی به میزان تولید تریاک در افغانستان دارد. به‌لحاظ بهتر بودن راه‌های ترانزیتی روسیه، حمل مواد مخدر به غرب از مسیر شمالی آن ارزان‌تر از راه‌های سنتی، یعنی پاکستان و ایران است. و این مسأله در فروش آن در اروپا و امریکا نیز به وضوح دیده می‌شود.

در این دو دهه اخیر، مقامات افغان اذعان کرده‌اند که برای مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر، سربازان خارجی باید به‌طور مستقیم وارد عمل شوند. اما فرماندهان امریکائی و غیرامریکائی به‌بهانه این‌که منابع کافی برای گسترش مأموریت خود در اختیار ندارند، از ورود به این میدان مقاومت کردند.

به‌علاوه در برخی گزارش‌ها آمده است که همین نظامیان خارجی در افغانستان در تولید و فروش مواد مخدر نقش داشته و از این منبع پول‌های کلانی نیز به جیب زده‌اند.

لازم به یادآوری است که از زمان باستان تا کنون مردم افغانستان به کشت خشخاش، در واقع برای اهداف گوناگون از مسکن دردها گرفته تا تولید روغن خوراکی و صابون، اشتغال داشته‌اند. حومه شمالی شهر آرگو واقع در بلوچستان که زمانی انبار خشخاش بود هم‌اکنون به ظاهر تهی از تریاک است و تقریباً هر خانه‌ای به انبار تأمین مصالح ساختمانی و هیزم مبدل شده است.

برخی مقامات دولتی و گروه‌های افغان درآمد کلانی از تریاک دارند. از جمله عواملی که باعث اقتصاد کاذب برای این محصول مضر می‌گردد، این است که: در کاشت و برداشت خیلی آسیب‌پذیر و غیر اعتماد می‌باشد، چه بسا یک آفت عادی تمام آن را از بین ببرد؛ کشور افغانستان یک کشور مسلمان است، از آن‌جا که در آمد حاصل از آن، مضراتی برای جامعه بشری دارد، مقبولیت شرعی را نخواهد داشت. و از همه مهم‌تر جان هزاران انسان بر اثر ابتلاء به اعتیاد تریاک و هرویین مورد تهدید قرار می‌گردد و از بین می‌رود. همه این عوامل پول هنگفت زودآمد تریاک را در ردیف اقتصاد درغین قرار می‌دهد و به‌نوعی توصیه یک زیرساخت اصیل اقتصادی جایگزین را در پی دارد.

تا این‌جا می‌توان به این نتیجه رسید که افغانستان دارای قدرت انرژی بالقوه بسیار زیادی است، از انرژی گاز و برق گرفته تا معادنی چون طلا، نفت، لعل، لاجورد، زغال سنگ، آهن و... که از توانمندی‌های پنهان این کشور به‌شمار می‌رود. و از سوی دیگر این‌ها کاملاً مورد استفاده قرار نگرفته‌اند، بنابراین افغانستان دارای یک اقتصاد ضعیف و ناتوان به‌صورت بالفعل است. اما در دو دهه گذشته از منابع و زیرساخت‌های کاذبی چون کمک‌های جهانی و بین‌المللی، پول بی‌پشتوانه و از همه بی‌پایه‌تر استفاده از پول خرید و فروش تریاک در جریان اقتصاد کشور است که بی‌گمان در دراز مدت ضررهای جبران‌ناپذیر بر جامعه افغانستان وارد خواهد کرد. و چه بسا انسان‌های بی‌گناهی از تولید و فروش این عفریت مرگ در افغانستان و خارج از این کشور، به کام نابودی کشانده خواهد شد.

نتیجه این که همان‌طور که در قسمت‌های مختلف بالا بیان شد، افغانستان فعلاً از هر نظر از جمله از نظر اقتصادی در دوره گذار از تشنج و درگیری‌های خونین با شوروی سابق و جنگ‌های داخلی از جمله ویرانی‌های دوره پیدایش طالبان و در بیش از دو دهه اخیر با اشغال‌گری آمریکا و ناتو هر چند این کشور گام‌هایی برای برون‌رفت از بحران برداشت اما اکنون آمریکا و متحدانش افغانستان را مجدداً دوستی تقدیم طالبان کردند و هر آن‌چه در دو دهه گذشته پیشرفت نامیده می‌شود در طول چند هفته دود شد و به هوا رفت. در عین حال کلیه ثروت‌ها و حتی جنگ‌افزارهای مدرن امریکائی همگی به دست طالبان افتاد. در چنین روندی، متأسفانه باز هم افغانستان به سرعت به سوی ویرانی و فجایع انسانی بزرگ‌تر در حرکت است.

شنبه هجدهم تی - سرطان - ۱۴۰۱ - نهم جولای ۲۰۲۲

ادامه دارد